

زبان و ادبیات فارسی در قلمرو خانان مغول

دکتر یوسف اسماعیلزاده*



- * در قلمروی خانان مغول.
- * آنه ماری شیمیل.
- * ترجمه فرامرز نجد سمیعی.
- * چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.

اشاره

سلسله گورکانیان هند، یا مغولان هند، در پیشرفت زبان و ادب فارسی در آن سامان نقشی بسیار حیاتی و مهم ایفا کرده‌اند. اغلب امرای آن سلسله، خود شاعر و نویسنده بودند و اهمیتی ویژه نسبت به امور شاعران، نویسندگان، طبیبان و فضلا داشتند. این فرهنگ‌دوستی، سبب کوچیدن بسیاری از ادبا و دانشمندان بدان دیار گردید. اما با وجود اهمیت ویژه این دوره در ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی، محققان ایرانی کمتر بدان پرداخته‌اند. از آخرین کوشش‌ها درباره مغولان هند، کتاب *در قلمرو خانان مغول*، تألیف خانم آنه ماری شیمیل است که با ترجمه فرامرز نجد سمیعی، توسط انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۸۶ روانه بازار شده است. این مقاله به معرفی، نقد و بررسی این کتاب پرداخته و به برخی از لغزش‌های کتاب اشاره کرده است.

مقارن با حکومت صفویه در ایران، دولت گورکانی در هند در رأس قدرت قرار داشت. هرچه حکومت صفویان رو به انحطاط می‌رفت و حاکمانش روز به روز بی‌کفایت‌تر می‌شدند، دولت گورکانیان یا مغولان هند رو به ترقی بود. این روزگار یکی از دوران‌های مهم و اثرگذار و از پربارترین اعصار، از حیث توجه و عنایت پادشاهان و امرا به اهل ادب و فضل است. شهرهای عمده هند در دوران گورکانیان جولانگاه فرهنگ و ادب ایرانی بود. در آن زمان که پادشاهان صفوی به ترکی سخن می‌گفتند و شعر می‌سرودند و بیشتر مشاغل لشکری و کشوری اسم‌های ترکی داشتند، در هند فارسی مرسوم و متداول بود و شاهان گورکانی، شاعران و ادبا را به فارسی گفتن برمی‌انگیختند.

مقارن با حکومت صفویه در ایران، دولت گورکانی در هند در رأس قدرت قرار داشت. هرچه حکومت صفویان رو به انحطاط می‌رفت و حاکمانش روز به روز بی‌کفایت‌تر می‌شدند، دولت گورکانیان یا مغولان هند رو به ترقی بود. این روزگار یکی از دوران‌های مهم و اثرگذار و از پربارترین اعصار، از حیث توجه و عنایت پادشاهان و امرا به اهل ادب و فضل است. شهرهای عمده هند در دوران گورکانیان جولانگاه فرهنگ و ادب ایرانی بود. در آن زمان که پادشاهان صفوی به ترکی سخن می‌گفتند و شعر می‌سرودند و بیشتر مشاغل لشکری و کشوری اسم‌های ترکی داشتند، در هند فارسی مرسوم و متداول بود و شاهان گورکانی، شاعران و ادبا را به فارسی گفتن برمی‌انگیختند.

مقارن با حکومت صفویه در ایران، دولت گورکانی در هند در رأس قدرت قرار داشت. هرچه حکومت صفویان رو به انحطاط می‌رفت و حاکمانش روز به روز بی‌کفایت‌تر می‌شدند، دولت گورکانیان یا مغولان هند رو به ترقی بود. این روزگار یکی از دوران‌های مهم و اثرگذار و از پربارترین اعصار، از حیث توجه و عنایت پادشاهان و امرا به اهل ادب و فضل است. شهرهای عمده هند در دوران گورکانیان جولانگاه فرهنگ و ادب ایرانی بود. در آن زمان که پادشاهان صفوی به ترکی سخن می‌گفتند و شعر می‌سرودند و بیشتر مشاغل لشکری و کشوری اسم‌های ترکی داشتند، در هند فارسی مرسوم و متداول بود و شاهان گورکانی، شاعران و ادبا را به فارسی گفتن برمی‌انگیختند.

منتشر شده است. ترجمهٔ چنین کتابی از نویسندهٔ مشهوری چون شیمل، خود کاری است درخور و بایسته؛ اما بایسته‌تر از آن، تسلط مترجم به متن و تاریخ و ادبیات آن دوره است که متأسفانه چنین امری در ترجمهٔ کتاب مشهود نیست. ما در این مقاله، نخست به معرفی مختصر سرفصل‌ها و مطالب کتاب پرداخته، آنگاه به بررسی و نقد برخی از نکات که در ترجمهٔ آقای نجد سمیعی دیده می‌شود، اشاره می‌کنیم.

معرفی کتاب

کتاب دارای یک پیشگفتار و ۱۲ فصل است. در بخش اول، «دیباچهٔ تاریخی»، مؤلف از پادشاهان گورکانی - ظهیرالدین بابر، ناصرالدین همایون، جلال‌الدین اکبر، نورالدین جهانگیر، شاهجهان، اورنگ‌زیب عالمگیر - یاد کرده است. او در این بخش‌ها از ولادت، به حکومت رسیدن، علایق و سلیقه‌های فرمانروایان، بیماری‌ها و ناخوشی‌ها، جنگ‌ها، مسائل خانوادگی و کشمکش‌های درونی، شکست‌ها و پیروزی‌ها، اوضاع فرهنگی و اهتمام امرا بدان، وفات پادشاهان گورکانی هند و دیگر مباحث مرتبط سخن گفته است (صص ۱۷-۵۸). فصل بعدی، «در مسیر غروب مغول»، به پادشاهان گورکانی پس از اورنگ‌زیب می‌پردازد. محمدشاه رنگله، شاه‌عالم‌آفتاب دوم، بهادرشاه، عظیم‌الشأن، جهاندار، فرخ‌سیر و روشن‌اختر، از آخرین امرای سلسلهٔ گورکانی بودند که در مسیر افول قرار داشتند (صص ۵۹-۶۸). در بخش «در دربار مغول»، از روایط دیپلماتیک، چگونگی شرفیابی به دربار، نوع خلعت‌های اهدایی و چگونگی آن، سنت پیشکش دادن، مشاغل، القاب، حدود مسئولیت‌ها، مهرها، فرمان‌ها و احکام حکومت، پذیرش سفیران و روابط با همسایگان مجاور، سفرها و اردوگاه و ملتزمین رکاب سخن به میان آمده است (صص ۶۹-۸۵). بحث دربارهٔ درجات و مقام‌ها، ارتش و هنر جنگ، مجازات‌ها، اقتصاد و تجارت، در بخش «در قلمرو خانان مغول» گنجانده شده است (صص ۹۱-۱۲۶). اوضاع مذهبی، شامل مذاهب غیراسلامی و گروه‌بندی‌های درونی مذهب اسلام، مهدویت، تصوف، رسوم مذهبی (صص ۱۲۷-۱۷۴)، زنان دربار (صص ۱۷۵-۲۰۲)، ملتزمین فرمانروا، امور خانه‌داری، منسوجات، دنیای جواهرات، از آشپزخانه، انباری زیر زمین، الکل و مواد مخدر، سرگرمی و تفریح، عطریات، علم طب، دنیای حیوانات (صص ۲۰۳-۲۶۶)، زندگی یک میرزا (صص ۲۶۷-۲۷۰)، زبان و ادبیات،

شامل عربی، ترکی، سانسکریت - هندی، فارسی، پشتو، سندی، پنجابی، اردو (صص ۲۷۱-۳۱۴)، حمایت از هنرها، بناها و باغ‌ها، و پایان گفتار، از دیگر فصول کتاب است. یادداشت‌ها، منابع و فهرست اعلام نیز در پایان آمده است.

تصاویر

همان گونه که بیان گردید، یکی از مزایای این کتاب، جمع‌آوری تصاویر از شاهان، امرای دربار گورکانی، کتب خطی، نقشه‌ها و اماکن است. باید یادآوری کرد که منبع بسیاری از این تصاویر معرفی نشده است. در این مجال، فهرست‌وار به این تصاویر اشاره می‌شود:

ظهیرالدین بابر، ناصرالدین همایون، جلال‌الدین اکبر، نورالدین جهانگیر، شاهجهان، اورنگ‌زیب عالمگیر، اورنگ‌زیب و فیلی به‌خشم‌آمده، عبدالرحیم خان خانان، ارگ قابل حمل اهداشده به اکبر، طرح منار مختص دورهٔ مغول، صفحه‌ای از قرآن به خط اورنگ‌زیب، اکبر در فتح‌پور سیکری با کشیشان، طرحی از حضرت مریم با فرزند، سماع درویشان، صفحه‌ای از دیوان حافظ با یادداشت‌هایی به خط همایون و جهانگیر، تصویر چهرهٔ یک خانم مغولی مشخص، شاهزاده‌خانم‌های مغولی با آموزگارشان، طرح عمامهٔ دورهٔ همایون، تصویر یک میوه‌فروش قرن هفدهم، ورق‌بازی‌های دورهٔ مغول اواخر قرن هفدهم، فیله‌ها هنگام بازی، یوزپلنگ هنگام بردن به شکارگاه، سورهٔ فیل نوشته‌شده در شکل یک فیل، صفحه‌ای از فرهنگ جمال‌الدین اینجو، خوشنویسی زرین‌قلم، مانوهار، یادداشت‌های نسخهٔ خطی گلستان، یادداشت تملک به خط شاهجهان در نسخهٔ خطی شاهنامه، مصرع به فارسی به خط نستعلیق خوشنویسی میرعلی هروی، فیل شکل‌گرفته از پیکرهای مختلف، آرامگاه شیخ سلیم چشتی در فتح‌پور سیکری، طرح اصلی آرامگاه همایون در دهلی، طارمی پنجره (جلی) از سنگ و ماسه اواسط قرن هفدهم، طرح اصلی حمام عمومی ساخته‌شده به وسیلهٔ عبدالرحیم خان خانان در برهانپور، مقبرهٔ اکبر در سیکاندران نقاشی هندی قرن هجدهم، نقشهٔ هند در قرن هفدهم، شجره‌نامهٔ سلسلهٔ مغول، اردوگاه مغول‌ها در دورهٔ اکبر حدود سال ۱۵۸۰، چیدمان نیروی نظامی اورنگ‌زیب در برابر داراشکوه در مروت، نقشهٔ شهر اگرآ حدود سال ۱۷۰۰ شامل باغ نورافشان، باغ جهان‌آرا، آرامگاه افضل‌خان، آرامگاه اعتمادالدوله، چهارباغ، مهتاب، تاج‌محل، دژ، بازار، مسجد بزرگ.

موارد قابل تذکار

صحیح، «فردوس مکانی»، «جنت آشیانی»، «عرش آشیانی»، «سلیمان مکانی» و «خلد مکانی» است؛ نه فردوس مکان، جنت آشیانه، عرش آشیانه، سلیمان مکان، خلد مکان. به علاوه، برای فارسی‌زبان نیازی به ترجمه القاب نیست. مؤلف برای مخاطبان غیرفارسی‌زبان، که آن القاب برایشان ناشناخته بود، آنها را معنی کرده است؛ اما کسی که فارسی صحبت می‌کند، به آسانی در می‌یابد که جنت آشیانی به معنی کسی است که جنت، آشیان اوست.

۵. در کتابت برخی از اسامی و مکان‌ها، صورت مشهور و مرسوم رعایت نشده است؛ برای نمونه، موارد زیر ذکر می‌گردد. موارد درست در داخل پرانتز آورده شده است:

چیشتی (چستی)، گوجرات (گجرات)، قره‌قونلو (قرا قویونلو)، تاتوی (تتوی)، توسوک (توزک، تزک)، لکنو (لکهنو)، شیخ‌السلام (شیخ‌الاسلام)، مریم‌مکانه / مریم‌ماکانی (مریم‌مکانی)، دارالشکوه (داراشکوه)، بیلگرامی (بلگرامی)، صحیح بوخاری (صحیح بخاری)، ایلتوت‌میش / ایلتوت‌میش (التمش)، اعلاء‌الدوله (علاء‌الدوله)، عبدل قدیر الکیلانی (عبدالقدیر گیلانی، الجیلانی)، ملکه صبا (ملکه صبا)، قیاس‌بیگ (غیاث بیگ)، اسطبل (اصطبل)، روضه السلاطین (روضه السلاطین)، عیاری دانش (عیار دانش)، طالبی آملی (طالب آملی)، تعلق‌نامه (تعلق‌نامه)، اولیاء (اولیاء)، باقراً (بایقرا)، صبحت المرجان (سبحة المرجان)، جامعه التواریخ (جامع التواریخ).

۶. مؤلف در مطاوی کتاب، جا به جا، اشعاری را از شاعران فارسی نقل کرده است؛ اما مترجم ترجمه اشعار را همان گونه که در متن اصلی بوده، به نثر نوشته است. بهتر بود مترجم وقت بیشتری صرف می‌کرد و اشعار فارسی را در دیوان‌ها می‌جست و اصل منظوم آنها را حداقل در پاورقی و پی‌نوشت‌ها می‌نوشت. حتی جایی که شیمیل کتاب مشهور امام محمد غزالی، کیمیای سعادت، را به معجون خوشبختی ترجمه کرده، مترجم نیز بدون تعمق، همان معجون خوشبختی را تکرار کرده (ص ۳۱۶) و یا قالب مثنوی را به تبع از ترجمه شیمیل، «دوبیتی» آورده است. مواردی از این دست بسیار دیده می‌شود.

۷. از ممیزات کتاب، وجود تصاویر است؛ اما اغلب تصاویر بسیار کمرنگ چاپ شده‌اند.

۸. از آنجایی که بسیاری از منابع تاریخی و ادبی این دوره دور از دسترس محققان قرار دارد و گاهی برخی از آنها ناشناخته است، لازم بود که مترجم منابع را به فارسی ترجمه می‌نمود. ۹. ترجمه کتاب یکدست نیست و دارای فراز و فرود است.

۱. نخستین موردی که بسیار چشم‌آزار است، عنوان کتاب است. دست‌کم مترجم و ویراستار محترم کتاب باید این نکته بدیهی نگارشی را فرامی‌گرفتند که به کلماتی مانند قلمرو، در حالت اضافی، ی نمی‌چسبانیم. کاربرد صحیح، «قلمرو خانان مغول» است، نه «قلمروی». متأسفانه در تمام کتاب این اشتباه تکرار شده است.

۲. مترجم محترم هیچ مقدمه‌ای بر کتاب ننوخته و ابتدا به ساکن، مقدمه مؤلف را آورده است. مناسب‌تر بود که به رسم مألوف، مترجم پیشگفتاری درباره شیوه ترجمه، معرفی اثر و مؤلف، تحلیل، ارزیابی و اهمیت کتاب و احیاناً مشکلات کار، بر اصل کتاب می‌افزود.

۳. مؤلف در برخی از موارد اطلاعات نادرست ارائه کرده است؛ به عنوان نمونه، در صفحه ۳۱۶ آمده است که تعلق‌نامه دو نسل بعد، در زمان حکومت شاهجهان تکمیل شد، که شاعر به خاطر نگارش آن، به دستور فرمانروا با طلا وزن گردید؛ در حالی که سراینده تعلق‌نامه، حیاتی گیلانی (در کتاب به شاعر اشاره نشده است)، عصر شاهجهان را درک نکرده و در ۱۰۲۸ در گذشته است. این ضمیمه تعلق‌نامه، در ۱۰۱۹ ق و در زمان جهانگیر سروده شد.

یا در ذیل احوال ظهیرالدین بابر، از آثار او، معیار اشعار ترکی و شریعت حنفی یاد شده است؛ در حالی که نام این دو کتاب در اصل، رساله در عروض ترکی و رساله مبین (درباره فقه حنفی) است.

در صفحه ۱۵۹، از ولیدیه به عنوان یکی از آثار بابر نام می‌برد؛ اما نام صحیح، رساله والدیه (ترجمه رساله والدیه عبیدالله احرار) است.

در صفحه ۳۴۸ کتاب نیز آمده است که سلطان مسعود غزنوی کوشکی را با تصاویر یوسف و زلیخا آراسته بود؛ در حالی که بیهقی آن کوشک را با صور الفیه و شلفیه نام برده است، نه یوسف و زلیخا. بهتر بود که مترجم در چنین مواردی با مراجعه به کتب معتبر تاریخی و تذکره‌های آن دوره، صحت و سقم مطالب کتاب را کندوکاو می‌کرد و در پاورقی بدان اشاره می‌نمود.

۴. مترجم محترم در ترجمه صفات و القاب شاهان گورکانی، ی را به ه بدل کرده است. اگر ایشان به کتب تاریخی و ادبی آن دوره مراجعه می‌نمود، درمی‌یافت که ضبط

مترجم آن چنان که باید، با اصول زبان و نگارش فارسی آشنا نیست و جملات طولانی و ارتباط بین جملات از هم گسیخته است (ر.ک: ص ۲۱، پاراگراف دوم، ص ۳۰، سطر دوم، ص ۱۵۶، پاراگراف دوم). برخی از معادل‌سازی‌ها نیز جالب نیست و بعضاً مطابقت فعل با فاعل رعایت نشده است. در ذیل به برخی از موارد اشاره می‌گردد. ضبط صحیح داخل پرانتز آورده شده است: ص ۲۰، پاراگراف دوم: پر شده‌اند (شده است).

ص ۲۰، همان: ویرگول بعد از عبارت «مراسم مغولی» زاید است و آن را باید به اضافه بخوانیم.

ص ۲۰، پاراگراف سوم، سطر آخر: به جای «بود»، «است» صحیح است.

ص ۲۰، پاراگراف چهارم: فعل‌های «است» آخر سطر، نادرست است.

ص ۲۷، سطر سوم: «سخت‌و‌تمندانه» بهتر بود «جوانمردانه» ترجمه می‌شد.

ص ۲۷، پاراگراف دوم، سطر هشتم: «اینک شرخان دستور داد تا خطبه نماز در بنگال را به نام بخوانند و عنوان شرشاه را تصویب کرد»، به جای «اینک» می‌توان «بعد از آن» را به کار برد. ضمناً «به نامش» یا «به نام او» بخوانند، درست است.

ص ۱۳۳، پاراگراف دوم، سطر سوم: بعد از کلمه «صدها» واژه «سال» نیز باید اضافه شود.

ص ۱۵۳: صحیح «منصب» است، نه «منصبی».

ص ۲۱، پاراگراف سوم، سطر چهارم: فعل «شوند» جمع است؛ در حالی که در آن جمله نیاز به فعل مفرد است.

ص ۲۸۵، پاراگراف چهارم، سطر آخر: مورد صحیح، «یادداشت‌های دخترش» است.

ص ۳۲۴: درباره خط نوشته شده باید افزود که اولاً «مصرع» درست است، نه «مصرح»؛ در ثانی آنچه که تصویر آن آمده، بیت است، نه مصرع.

۱۰. در پایان کتاب، فهرست اعلام (اشخاص، اماکن، طوایف، کتاب) فراهم شده است. فهرست ناقص است. بهتر بود که فهرست‌ها جداگانه ذکر می‌شدند. به علاوه، به نظر می‌رسد که اعلام کتاب بسیار بیشتر از آنچه که آمده است، باشد. ضروری به نظر می‌رسد که فهرستی از تصاویر نیز در انتها تهیه می‌گردید.

۱۱. شجره‌نامه سلسله و خاندان گورکانی در ۳ صفحه آمده است که تمرکز خواننده را به هم می‌زند.

۱۲. برخی از جملات در ترجمه کژتابی دارند و رساننده مفهوم نیستند؛ گویا مترجم آنها را تحت‌اللفظی ترجمه کرده است. زمان برخی از افعال نیز رعایت نشده است؛ به عنوان نمونه:

ص ۲۶، پاراگراف سوم: «و دیگری یادداشتی است از جوهر آفتابه‌چی که فرمانروا را به عنوان خادمی وفادار، بیش از بیست سال همه جا همراهی کرده و برای سلامتی شخصی‌اش مسئول بوده است».

ص ۲۶، پاراگراف چهارم، سطر چهارم: «ولی همایون کوشید به فرمان پدرش که از او خواسته بود به هیچ یک از برادرانش بد نکند، وفادار مانده بود».

ص ۲۷، پاراگراف سوم: «اثر تاریخی او تحت عنوان تاریخ رشیدی، یکی از منابع ارزشمند برای موقعیت در شمال شبه‌قاره است».

ص ۱۴۲، پاراگراف دوم: «هند پر از جنبش‌های مذهبی تلفیقی است. این بیشتر صوفیان آیین هندو و اسلام بودند که کوشیده‌اند تفاهم بهتری برای علایق طرف دیگر به وجود آورند».

ص ۱۷۶، سطر ۶: «در حالی که به دخترش جهان‌آرا عنوان صاحب‌الزمانه، که ولی غالباً بیگ‌صاحب خوانده می‌شد، داده شده بود».

ص ۲۶۵، پاراگراف سوم: «در معدۀ حیوان، خرده‌هایی از استخوان و حیوان اصیل که ضررش به کسی نمی‌رسید، به حق مورد تحسین قرار گرفت».

در مواردی اشکالات تایپی، املائی و نگارشی نیز دیده می‌شود؛ از جمله ارجح‌تر (ص ۱۹۲)، مغزول (ص ۹۶)، حاکمنشین (ص ۱۱۸)، برادر (ص ۳۵)، حیوان (ص ۲۶۵)، قافیه ازه (ص ۲۷)، بدیل (ص ۲۹۶)، روفی (ص ۳۰۳)، ضمین (ص ۲۸۷)، که ضبط صحیح آنها: ارجح، معزول، حاکم‌نشین، برادر، حیوان، قافیه تازه، بیدل، رومی و زمین است. در بعضی جاها هم ویرگول به اشتباه به کار گرفته شده است؛ مثلاً در صفحه ۴۸.

پی‌نوشت

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور منجیل.